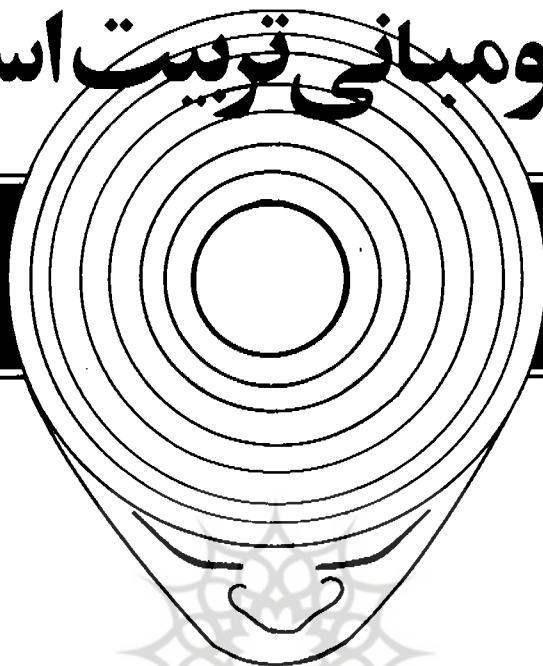


اصول و مبانی تربیت اسلامی

دکتر علی قانمی



پیش‌گفتار

است و دستیابی باهدف عالی‌ه انسانی از آن طریق امکان پذیر خواهد بود . شک نیست که هر قومی بنا بمقتضیات حیات خود جنبه‌های تاریخی و جغرافیائی و نیز اقتصادی و سیاسی خویش تربیتی مخصوص دارد که براساس معیارهائی میتواند پیشرفته یا عقب مانده ، متری و یا ارتجاعی باشد . و همچنین سیستم تربیتی هر قومی در طول دهه‌ها و قرن‌ها ممکن است مفید و یا زیانبخش باشد ، جامعه‌هاش را بسوی تحولی مثبت سوق دهد و یا سبب در جا زدن ، عقب گرد و یا رکود گردد .

انسان برخلاف حیوان در طول تاریخ زندگی خودرا متحول میسازد و تغییر میپذیرد . آگاهی‌های فطری و غریزی خود را کامل میکند و بعدها همین آگاهی‌ها و تحول را به نسل آینده منتقل مینماید . این تحول و تغییر ، این کسب انتقال آگاهیها از طریق آموزش و پرورش است که اگر صورت نگیرد آدمی چون حیوان در حال رکود باقی خواهد ماند .

براین اساس اهمیت تربیت برای انسان و حیوان است و برای او موجد ارزش و اعتبار و ضامن رستگاری است . مقصد نهائی آفرینش از طریق آن قابل وصول

در پی تحول فکری عظیمی که در جامعه ما در یک قرن اخیر صورت گرفته دگرگونی- هائی عمیق در نظام تربیتی ما پدید آمد که در عین داشتن جنبه مثبت در مواردی بسیار آثاری زیانبخش داشته است . بیان و بررسی این زیانبخشی ها خود نیاز به کتابی جداگانه دارد ولی آنچه را که در این مختصر میتوان بیان کرد و بخصوص در آنچه که مربوط به ۵۰ سال اخیر کشور ما میشود بدینقرار است :

- تربیت متوجه پرورش افرادی بوده است که تنها قادر بانجام کار اداری باشند نه کار عملی . در نتیجه نیایی پدید آورده است که بوروکراتند و دیگر هیچ و این خود ضایعه‌ای بزرگ و موجب اتلاف بودجه و ایجاد درگیریها در جامعه ما بوده است .

- دستگاه تربیتی افرادی پرورانده که کار پدر را رها کرده و بدنبال کارهای خدماتی و اداری افتادند و در نتیجه قدرت تولید از میان رفت ، صنایع دستی و محلی و حتی کشاورزی در معرض خطر و در مواردی به نابودی کشانده شد .

- سازمان تربیتی حتی قادر نشد افرادی بپروراند که در سطح تعمیرکاری وسائل و مصنوعات غربی چون تراکتور و ماشین کار کنند گویانکه بظاهر افرادی متخصص و تحصیلکرده تحویل داده است .

- دستگاه تربیتی فقط به ظاهر امر توجه کرده و به جنبه‌های درونی و اصولی نپرداخته است .

- پرورده‌های دستگاه تربیتی اغلب خودمدار شدند و خود مرکز بگونه‌ای که جز خود کسی را برسمیت نمیشناسند .

- دستگاه تربیتی افرادی پرورد که تقلب و رذالت و کجروی و ناسازگاری در عسده بسیاری از آنها عیان شد . امانتهای پاک الهی را تحویل گرفته و بسیاری از آنان را آلوده و لکه‌دار کرده است . چه بسیار از آنان که در اثر سیستم غلط تربیتی افرادی شدند خائن ، عقده‌ای ، فحاش ، بی-بندوبار و

اینها و ده ها مورد از این قبیل حاصل دستگاه تربیتی ما در این دهه‌های اخیر است که قطعاً مورد تائید ما و مکتب ما نبوده و نیست . اما اینکه اینک چه باید کرد پاسخ روشن است ما بخاطر پیروزی خود در انقلاب اسلامی خواست و راه و روش خود برگزیده‌ایم و قراردادیم همه تلاش‌ها و رفتارهای خود را مکتبی و اسلامی کنیم . شک نیست که تربیت ما نیز بعنوان بخشی از فرهنگ انقلاب باید تحول و تغییر پیدا کند و راه و رسم اسلامی را پذیرا گردد .

معنی و مفهوم تربیت اسلامی :

قبلا باید دید که آیا عبارت تربیت اسلامی عبارتی معقول و قابل قبول میتواند

باشد یا نه ؟ آیا در مکتب اسلام میتوان سیستم ونظام خاصی را تحت عنوان تربیت مطرح کرد یا نه ؟

بعقیده ما پاسخ این سؤال مثبت است از آن بابت که ما اسلام را نظامی جامع و کامل و دارای تعالیم مشخص ووسیعی در همه زمینههای مربوط بحیات ، از اقتصاد ، سیاست ، اجتماع ، فرهنگ ، اخلاق ، نظام و ... میدانیم و قائلیم که در زمینه تربیت هم نظرات خاص و ویژه‌ای را دارد که ما در این سری از بحثها درصدد شرح و عیان کردن آن هستیم . در اسلام آموزش و پرورش برای انسان از زمان حیات جنینی تا مرگ برنامه و طرحهایی دارد که در جمع طیف بهم پیوسته‌ای را تشکیل میدهند و همه جوانب و ابعاد وجودی انسان و جامعه در آن مورد نظرند و زمینه آن برای ساختن انسان و حرکت او بسوی کمال فراهم و مناسب است .

در زمینه منع این تعالیم و نظام قرآن و سنت را میتوان نامبرد که گنجینه‌ای عظیم برای تهذیب و تربیت انسان است با این حساب موجد و مددع نظام خداوند ، آورنده آن پیامبر ، ناشر ، مبلغ و مبین آن حضرات معصومین هستند و با شناخت چهارچوب مکتب میتوانیم خط فکری تربیت اسلامی را مشخص کنیم .

برای نظام تربیتی اسلام ویژگیهایی است که ما بچند نمونه آن در این بحث اشاره میکنیم و قبلا یادآور میشویم که این نظام با هیچیک از سیستم‌های موجود جهان همانند نیست ، نه شرقی است و نه غربی ، جنبه‌های مثبت هر دو را واجد است ولی جنبه‌های منفی آنرا دارا نیست .

۱- تربیت در اسلام یک رسالت است که همگان ، از والدین و مربیان و اجتماع در ایجاد و حفظ آن مسئولیت مشترک دارند و کسی نمیتواند خود را از این مسئولیت دور و برکنار نگهدارد .

۲- تربیت حق کودک است و دیگران حتی جامعه و دولت در برابر آن تعهدات و وظائف خاصی دارند و در واقع به کودک بدهکارند .

۳- در این نظام اصل برکرامت انسان است . بر این اساس مربیان ، جامعه و دولت با تکیه باین جنبه میبایست به تربیتش اقدام کنند .

۴- تربیت بمعنی دگرگونی جسمی و فکری و روانی اجباری است و این غیر از اجبار در کشورهای سوسیالیست یا کشورهای غربی است که تنها برای حفظ منافع توده یا خود شخص در جنبه مادی باشد بلکه مساله رشد و تعالی هم بعنوان وظیفه در تربیت مطرح است .

۵- در این نظام تمام ابعاد و جوانب وجود انسان بموازات هم وهمه‌انگ با هم

ویژگیهای این نظام :

اقدام میکند و او را به طرف کمال و تعالی سوق میدهد .

— هدف پرورش افرادی است که اصل و منشأ الهی خود را از یاد نبرده و آگاه باشد که امانتی از پروردگار در دست خود ، والدین ، مربیان ، اجتماع و دولت است سرنوشت خود را خود باید بسازد و سعادت خود را خود در جامعه بشری جستجو کند و در برخوردها صادقانه باشد .

— هدف ساختن افرادی است که وجود و حضور خداوند را در همه جا درک کنند و در اوضاع و احوالی زندگی نمایند که از یک سولازمه فطرت و طبع اوست و از سوی دیگر قادر به جوابگویی در پیشگاه خدا و مردم باشد . باکوشش و تلاش بسوی پروردگارش بشتابد و خود را از طریق عمل صالح به او نزدیک نماید .

— هدف تربیت انسانهایی است که بجای کسب قدرت به جستجوی حقیقت از طریق دستیابی به حکمت و بینش بروند ، از اطاعت کورکورانه و تقلیدی بپرهیزند و نیروی دفاعی خود را در برابر بدآموزیها و بدرفتاریها قوی کنند .

— وبالاخره هدف ساختن امت معتدل و متعادل است ، امتی که چون نمونه والگوئی برای اجتماعات بشری باشند و در شکوفا ساختن همه استعدادهای فردی و جمعی که خداوند به امانت بآنها سپرده است کوشا باشند .
بقیه در صفحه ۴۷

رشد میکنند ، انچنان نیست که بعدی از وجود رشد فوق العاده کند و بعدی دیگر فراموش گردد .

۶— در تربیت اسلامی ایمان ، علم ، عمل ، اخلاق تواما مطرح هستند و این خود موجب ایجاد بنای فرهنگی جدیدی برای بشریت است .

۷— تکیه به وحدت بین دین و دنیا و ماده و معنی است و اینها بموازات هم مورد نظرند و هیچکدام از آنها بخاطر دیگری فراموش و یا فدا نمیگردند .

۸— در این نظام نه فرد اصالت مطلق دارد و نه جمع ، بلکه اصالت فرد آمیخته با جمع است .

۹— انسانها در عین اینکه از دیگران تعلیم می پذیرند و تربیت میشوند خود در سطح و حدی مربی و معلم دیگران نیز میباشند و تعلیم و تعلم بر این اساس توأم و همراه باهم است .

۱۰— بین اهداف ، محتوا ، روش ، فلسفه ، ارزیابی وحدت و هماهنگی است و هیچکدام در عرض دیگری نیستند .

هدفها در تربیت اسلامی :

تربیت در اسلام دارای نقشی بنیادی است از آن بابت که در ساختن انسانی ارزنده ، دانا ، توانا ، عاقل ، با فضیلت باتقوا ، متعهد ، صادق ، دارای هدف توحید و در مسیر از طریق مکتب توحید

در شماره قبل اولین قسمت از مقاله تحقیقی ریشه شناسی جرائم اطفال بچاپ رسید اینک بخش دوم یا بهتر بگوئیم دنباله آن از نظر گرامی خوانندگان محترم میگذرد

۲

خانواده اولین محیطی است که طفل در آن قدم به عرصه وجود میگذارد بنابراین در تربیت شخصیت طفل و رشد عاطفی وی بیش از سایر محیط ها اثر خواهد گذاشت در بسیاری موارد دیده میشود که تعداد زیادی از اطفال مجرم متعلق بخانوادههایی بوده اند که از جهتی وضع نامساعدی داشته یعنی یا خانواده با اختلافات داخلی و تضاد بین پدر و مادر بوده و یا آنکه پدر و مادر بعلل مختلف مانند طلاق ، فوت ، ازدواج مجدد از یکدیگر جدا شده و فرزندان بدون سرپرست مانده یا در بعضی موارد تحت قیمومیت اقوام دیگر قرار گرفته و یا به مراکز اطفال بی سرپرست سپرده شده بودند . آماري که محققين خارجي مانند پروفيسور هويه روانپزشک معروف فرانسوی و ژان بیناتل درباره اطفال مجرم فرانسه منتشر کرده اند کاملاً موید این موضوع است و نظیر این آمار را درباره مجرمین خردسال شهر تهران میتوان بوضوح در سالهای مختلف مشاهده کرد ، چنانکه در جدول زیر طی سالهای ۵۱-۱۳۴۸ تعداد اطفال مجرمی که بموجب حکم قطعی دادگاههای

گفتاری درباره ریشه شناسی جرائم اطفال

دکتر سید حسن غفوری غروی



اطفال بکانون اصلاح و تربیت اعزام شده‌اند تقریباً رقمی بین ۴۰ الی ۵۰ درصد رانشان میدهد که این اطفال خانواده‌ای نا منظم و معشوش داشته‌اند یعنی پدر و مادر بی‌با بعلت طلاق یا فوت و یا بعلل دیگر از یکدیگر جدا زندگی میکرده‌اند

نقش خانواده تنها از لحاظ وضع نا منظم و گسسته آن به تنهایی مطرح نیست ، یعنی تنها فقدان پدر یا مادر و یا جدائی و طلاق والدین و بالاخره عدم وجود سرپرست نیست که میتواند موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، بلکه در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین و بالاخره عدم وجود آرامش و تامین در خانواده میتواند بنوبه خود موثر در سقوط و ناسازگاری طفل شود ، در بسیاری موارد اختلافات داخلی والدین ، برخوردها ، تضادها و کشمکشهایی که در خانواده وجود دارد و لطامات عاطفی که از

این جهات و بعلت محرومیت طفل از محبت و حمایت خانواده بروی وارد میشود از عوامل موثر در ناسازگاری و سوق او بسوی محل انکائی غیر از خانواده و خارج از محیط خانواده است ، این محرومیتها سبب میشود که طفل بجستجوی دوستانی در محیطی غیر از محیط خانواده برآید و اغلب در همین دوستیهای ناشناخته و مشکوک است که موجبات بدآموزی و انحراف و سقوط طفل فراهم میشود . بطور طبیعی طفلی در خانواده علاقه دارد که مورد محبت و حمایت قرارگیرد و خانواده را برای خود مامن و محل انکاء میداند حال اگر بهر علت این محیطی که طفل همه خواسته‌ها و آرزوهای خود را بر روی آن متمرکز کرده است متزلزل شود باید در انتظار حوادث و اتفاقات و عکس العمل طفل نسبت بموقعیت خود بود در اینجا یک نکته بسیار ظریف

سال	تعداد اطفال اعزامی بکانون اصلاح و تربیت بموجب حکم قطعی دادگاه اطفال	اطفالی که با پدر و مادر زندگی میکرده‌اند	جدائی بعلت طلاق	جدائی بعلت (فوت ، اختلافات) و بعلل دیگر
۱۳۴۸	۶۵۲ نفر	۳۴۵ نفر	۲۳ نفر	۵۸ نفر
۱۳۴۹	۶۶۳ "	۴۵۳ "	۳۱ "	۱۰۲ "
۱۳۵۰	۶۰۲ "	۳۹۰ "	۱۳ "	۱۳۷ "
۱۳۵۱	۶۲۴ "	۳۸۷ "	۲۲ "	۱۶۱ "

روانشناسی وجود دارد و آن اینکه حضور پدر و مادر بخصوص در سالهای اول کودکی از نظر رشد عاطفی طفل ضروری است ، حضور پدر از لحاظ رشد شخصیت طفل و شکوفائی عواطف و اعتماد بنفس وی و حضور مادر از نظر عاطفی و حمایتی ، چنانکه اطفالی که از محبت مادری محروم بوده اند اغلب از نظر روانی با تاثرات و ناراحتیهایی عاطفی گاه شدید مواجه بوده اند که نمونه های آنها باید در بین اطفال گوشه گیر و در درون گرا جستجو کرد ، این اطفال در بعضی موارد متقابلا فاقد عاطفه و محروم از امکان برقراری روابط عادی اجتماعی با دیگران هستند ، زیرا این اطفال خود طعم محبت و عطوفت را نچشیده اند تا بتوانند بدیگران ببخشند ، بعلاوه در بعضی موارد مادرانی هستند که آگاهانه یا ناخودآگاه فرزندان خود را از محبت واقعی مادری محروم میکنند و یا شدت عمل و رفتار خشونت آمیزی با فرزندان دارند یا آنها را بحال خود واگذار میکنند و نسبت بفرزندان بی تفاوت هستند که بویژه سقوط بسیاری از دختران جوان را باید در این طرز رفتار و بعلت همین محرومیت های از محبت و عواطف و عدم سرپرستی در خانواده جستجو کرد ، زیرا این غفلتها سبب میشود که نوجوانان در جستجوی محبت و عطوفت دیگری برآیند و بدام افراد فریبکار و شیادانی که اغلب در سر راه این نوجوانان

هستند گرفتار شوند و فریب دوستیهای ریائی و علائق شیطانی این فریبکاران و گاه دزدان ناموس را بخورند . بموجب آماري که در سال ۱۳۴۷ بوسیله محققین مدرسه عالی خدمات اجتماعی از ۱۵۴۸ نفر روسپیان شهر تهران تهیه شده است نشان میدهد که چگونه رقم قابل توجه اکثریت قریب باتفاق آنان از دوران خردسالی از سرپرستی و حمایت خانواده محروم بوده اند بموجب این آمار تعداد ۲۸۷ نفر از آنان از سن ده سالگی ، ۲۵۶ نفر از ۱۲ سالگی ۳۳۲ نفر از ۱۴ سالگی ، ۴۰۸ نفر از سن ۱۶ سالگی ، ۱۷۸ نفر از ۱۸ سالگی ، ۶۷ نفر از ۲۰ سالگی و ۱۵ نفر از ۲۱ سالگی از داشتن خانواده و سرپرست محروم شده بوده اند .

در اینجا بوضوح نقش مهم خانواده و محرومیت عاطفی در سقوط آنان ملاحظه میشود ، بویژه که در آمارگیری همین زنان اغلب علت سقوط خود را دوستیهای ریائی و دروغین ، وعده های فریبنده و وعده های ازدواج شیادان ، وعده های حمایت مالی ، ازدواج های ساختگی و نظایر آنها اعلام کرده اند که از جهات مختلف نقش قابل توجه و وظیفه حمایتی خانواده را نشان میدهد و بوضوح دیده میشود که والدین چه مسئولیت سنگینی را در برابر خانواده و تربیت و مراقبت اطفال و فرزندان خود بر عهده دارند . نه تنها مسئله فحشاء

عاطفی (VOL de Compension)
 نامیده میشود در بین این نوجوانان زیاد دیده میشود آمار سرقت نوجوانان و نسبت فوق العاده آن بسایر جرائم در جدول زیر کاملاً قابل ملاحظه است نباید گمان کرد که این سرقتها در تمام موارد بغلت احتیاج مادی و جنبه اقتصادی موضوع است ، با آنکه نمیتوان منکر تاثیر وضع اقتصادی بطور کلی در سرنوشته این اطفال بود ولی جنبه های عاطفی و وضع خانواده ، طرز تربیت ، حمایت و طرز رفتار خانواده با طفل را در بالا بودن رقم سرقت نسبت بسایر جرائم باید در نظر داشت :

دختران و زنان جوان ، بلکه بسیاری از سرقتها اطفال و نوجوانان که بنظر میرسد بر اثر نابسامانی مالی و یا شرارت و طغیان انجام شده در واقع ریشه های عاطفی داشته است . در کانون اصلاح و تربیت تهران در ظرف این چند سال یعنی از سال ۱۳۴۷ تاکنون همواره سرقت رقمی بین ۷۰٪ الی ۸۰٪ و گاهی بیشتر از مجموع جرائم اطفال اعزامی بآنجا را تشکیل میداده و این نسبت کاملاً نابسامانی وضع خانوادگی این اطفال و محرومیت های عاطفی آنان تناسب داشته است ، یکنوع دزدی که در اصطلاح دزدی برای جبران و جبران از محرومیت

سال					چند درصد	عنوان جرم
۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸		
۶۴۲	۶۲۴ نفر	۶۰۲ نفر	۶۶۳ نفر	۶۵۲ نفر	۱۰۰/۰۰	تعداد کل اطفال
۵۳۶	" ۵۲۵	" ۵۱۷	" ۵۴۳	" ۴۵۵	۸۰/۹۳	سرقت و ملحقات آن
۱۰	" ۱۲	" ۱۹	" ۲۸	" ۳۰	۰۳/۱۷	ایراد ضرب و جرح
۲۲	" ۱۹	" ۱۴	" ۱۴	" ۲۱	۰۲/۸۳	حمل ، معامله و استعمال
۹	" ۶	" ۸	" ۵	" ۱۹	۰۱/۴۸	چاقوکشی
۷	" ۸	" ۱۳	" ۹	" ۸	۰۱/۴۱	رابطه نامشروع
۹	" ۱۱	" ۴	" ۵	" ۳	۰۱/۰۱	قتل عمد و شرکت در آن
۰	" ۲	" ۰	" ۵	" ۲۳	۰۰/۹۴	جرح غیر عمد بر اثر تصادف
۸	" ۴	" ۶	" ۴	" ۵	۰۰/۸۵	قتل غیر عمد
۱	" ۰	" ۱	" ۵	" ۱۷	۰۰/۷۵	رانندگی بدون پروانه
۴۰	" ۳۵	" ۲۰	" ۴۵	" ۷۱	۰۶/۶۳	جرائم دیگر

کاملین لمن اراد ان يتم الرضاعه وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف . .)
زیرا مادر در هنگام شیردادن بطفل دو وظیفه مهم را انجام میدهد علاوه برآنکه او را تغذیه میکند باو القاء محبت عاطفی نیز میکند و هرچه طفل از این محبت اعطائی مادر سرشار تر باشد از نظر روانی مستحکمز و قویتر خواهد بود زیرا روحا به میزان کافی از زحمات خانواده برخوردار شده است . بهمین جهت ملاحظه میشود اطفالی که از این مهر و محبت و القاء عاطفی محروم بوده‌اند مثلا اطفالی که فاقد مادر یا خانواده هستند و برای نمونه اطفال پرورشگاهها اغلب این نقصان و کمبود را در روحیه آنان میتوان مشاهده کرد و ایمن اطفال از نظر روانی شکننده تر و همراستب تاثیرپذیرتر هستند ، موضوع دیگری که در دورانهای بعدی و حیات اجتماعی طفل قابل اهمیت است مسئله تربیت طفل و انتقال میراثهای فرهنگی است که بصورت سنتی بطفل آموخته میشود زیرا طفل بر اثر علاقه‌ای که بخانواده دارد از طریق اخلاقی و سنتی والدین واجداد پیروی و تقلید میکند و نقش تقلید در ساختن شخصیت اولیه طفل واجد اهمیت است و باین طریق در حقیقت ارزشهای اجتماعی و فرهنگی بر اثر تربیت و تلقین با خلیقات و نفسانیات سرشته و عجین میشود و اثرات آن بطور آگاه و ناخودآگاه در ذهن طفل باقی

بطوریکه ملاحظه میشود در اینجا مسئله خانواده تنها از بعد عاطفی آن مطرح نیست بلکه از تمام ابعاد آن مورد نظر است از جهت پرورش طفل ، از لحاظ نوع تفکسر و تربیتی که بطفل داده میشود ، از لحاظ اینکه پدر و مادر برای طفل میتوانند بعنوان نمونه و سرمشقی بوده و طفل آنان را بعنوان اولین مدل زن و مرد برای ساختن شخصیت خود انتخاب میکند ، همچنین از لحاظ حمایت مادی که از طفل بعمل میآید و از جهات دیگر ساخت خانواده قابل توجهه است که بررسی تمام آنها در این مختصر امکان پذیر نیست . ولی در مورد سالیهای اولیه تربیت طفل و نحوه برخورد عاطفی والدین بویژه رفتار مادر موضوع بسیار قابل اهمیت است ، بهمین جهت ام — روز متخصصین معتقداند مادرانی که نسبت بفرزندان خود از نظر عاطفی توجه بیشتری داشته‌اند این اطفال از نظر روانی دارای استحکام و استقامت بیشتری بوده اند مثلا موضوع شیردادن طفل و طول مدت شیر دادن نکته بسیار قابل اهمیتی است و موبد آن آیه شریفه است که خداوند از نظر حمایت طفل مادر را ملزم میکند (صورتیکه بخواهد بطفل بطور کامل شیردهد) باید تا دو سال کامل او را از شیر نگیرد و پدر را ملزم میکند که مخارج طفل شیرخوار و مادر او را طبق معمول عرف بپردازد . (والوالدات یرضعن اولادهن حولین

والقائی از دوران کودکی بوسیله والدین و بوسیله خانواده (بمفهوم وسیع آن) آموخته میشود و بهمان صورت سینه بسینه باز از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود .

بحث درباره سایر قسمتها مانند محله ، مسکن ، اطرافیان ، معاشرین و شهر و تاثیر آن در بزهکاری و ناسازگاری اطفال و نو- جوانان نیز خود موضوع مفصلی را تشکیل میدهد که باید در بحث جداگانه و در فرصت بیشتری از آنها گفتگو شود ، ولسی در اینجا همینقدر در پایان بحث خانواده باختصار اشاره میشود که در بعضی موارد و در بسیاری از کشورها بویژه مشرق زمین منجمله در کشور خودما ، محله اغلب

میماند . و باین ترتیب این میراثهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود ، مثلا تربیت مذهبی و القاء اصول و عقاید به اندازه‌ای که در کودکی و دوران اولیه تربیت طفل میتواند در وی موثر واقع شود هیچگاه در زمان بزرگی و دورانهای بعد در او اثر نخواهد داشت و بدون تردید تلقین و تربیت دوران کودکی چیز دیگری است و بفرمایش حضرت علی (ع) العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر ، بهمانگونه که خانواده میتواند در ساختن شخصیت طفل نقش خلاق داشته باشد ، محله ، اطرافیان ، محل سکنی ، محیط شهر و دوستان و آشنایان طفل نیز بنوبه خود در ساختن شخصیت و رفتار اجتماعی طفل موثر خواهند بود بهمین جهت دیده میشود که خلیقات و اختصاصات شخصیت افراد یک جامعه از جامعه دیگر متفاوت است و این همان خصوصیتی است که در مفهوم وسیع آن بنام فرهنگ اجتماعی گفته میشود و مجموعه‌ای است از تمام خصوصیات مادی و اعتقادات و معنویات یک جامعه که بصورت میراث فرهنگی بوسیله آموزش ، بوسیله القاء ، بوسیله یادگیری ، بوسیله حرکات ، رفتار ، گفتار و سنتها چه کتبی ، چه شفاهی و چه عملی از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا میکند و اساس ملتها و ملیت ها را میسازد . ، مثلا بسیاری از آداب و رسوم ، سنتها ، و مناسک مذهبی بصورت عملی



دنباله خانواده را تشکیل میدهد ، بسیاری اوقات دیده میشود که عصرها مادران در کوچه و جلو منزل اجتماع کرده بایکدیگر به گفتگو میپردازند و بچهها در کوچه به بازی مشغول میشوند چه بسا ارتباط و تماس اطفال در کوچه با یکدیگر از گروهها و تپب های اخلاقی مختلف و گاه بدآموزیهائی که این تماس ها و با محیط محل ، اطرافیان دوستان و همبازیها میتوانند در اطفال داشته باشد خود مکتبی برای ناسازگاری و گاه بزهکاری و بدآموزی است . البته در تمام موارد نمیتوان گفت که برخورد اطفال از گروهها و تپبهای مختلف میتواند بعنوان عوامل جرم را تلقی شود و یا نابسامانی وضع محله همیشه جرم خیز است ، ولی در بسیاری موارد نیز نمونههایی از آن دیده میشود که برای مثال به باندها و گروههایی که این اطفال در کوچه تشکیل میدهد باید اشاره کرد که در بسیاری موارد بقمار علنی و دسنة جمعی در کوچه میپردازند ، گاه دسنة جمعی و گروهی دست به تخریب میزنند ، گاه بولگردی و بیکاری میپردازند گاه دست بسرقت ، استعمال مواد مخدره و دیگر جرائم مشابه آن میزنند و یا در اینگونه راهها کشانده میشوند . چنانکه مسئله شیوع استعمال مواد مخدره در بین نوجوانان و جوانان که بعضی اوقات محله ، اطرافیان ، دوستان ، همبازیها و بالاخره شهر در آن نقش مهمی را دارد یکی از

بلایای خانمانسوز جامعه ما محسوب میشود با آنکه ممکن است عوامل بسیار دیگری از لحاظ زمینه اعتیاد در نوجوانان موثر باشد ولی نقش موثر محله ، دوستان و شهر را نمیتوان نادیده گرفت .

بهرحال در انتهای این بحث باید نتیجهگیری کرد که در بزهکاری اطفال و نوجوانان موضوع ریشه شناسی جرائم همانطور که ملاحظه شد بسیار قابل توجه است ، در بزهکاری اطفال و نوجوانان پس از تجربیات بسیار باین نتیجه رسیده اند که برای همه آنان نمیتوان مانند آنچه در علوم طبیعی جاری است یک سلسله علل و عوامل را بطور قطعی و بصورت قانون لاینغیر علت ناسازگاری و یا بزهکاری دانست زیرا در اینجا بحث ما از انسانهاست که با یکدیگر متفاوتاند و دارای شخصیتهای مستقل و متفاوت هستند ، پس در درجه اول همانطور که هر انسانی دارای شخصیتی مجزا و مشخص از دیگران و خاص خود میباشد عواملی هم که ممکن است موجبات انحراف و یا سقوط او را فراهم کند مجزا و ویژه خود او است و باید بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد ، و در ثانی همیشه یک عامل سبب بزهکاری نمیشود ، مثلا بگوئیم چون این شخص از نظر خلقی یا روانی دارای نقائصی است ، یا از نظر خانواده وضع نابسامانی دارد یا از لحاظ محیط و معاشرین محیط آلودهای



اجتماعی با کمک یکدیگر و بطور گروهی به تحقیق و علت یابی میپردازند، و برخلاف آنکه عده‌ای فکر میکنند که بوسیله تنبیه یا ارباب و اقدامات شدید انضباطی و خشونت میتوان از بزهکاری جلوگیری کرد امروز معتقد هستند که درباره هر طفل باید علت بزهکاری و انگیزه آنرا شناخت و کوشش کرد که علت از میان برداشته شود زیرا اگر علت برداشته شد معلول که همان ناسازگاری و یا بزهکاری باشد خود بخود از بین خواهد رفت همانطور که در دستورات و قوانین آسمانی اسلام نیز بیشتر بمسئله ارشاد و هدایت و تنبیه انسانها توجه شده و پیغمبر اکرم (ص) میفرمایند (انی بعثت لاتم مکارم الاخلاق) من برای تکمیل مبانی اخلاق شایسته بشری برانگیخته

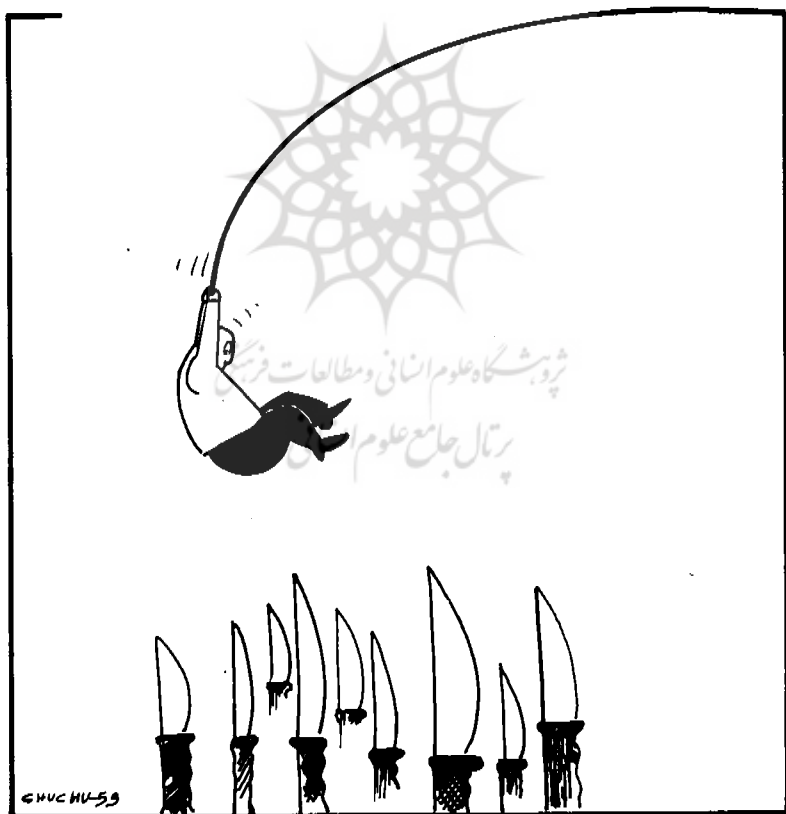
بقیه در صفحه ۴۸

دارد پس حتما بزهکار میشود، بلکه موضوع بزهکاری اغلب ترکیبی است از مجموعه علل و عوامل مختلف وبعلاوه نوع ترکیب اینها و لحظهای که ممکن است منتهی به بزهکاری شود خود موضوع قابل توجهی است که چگونه ممکن است در بعضی موارد باوجود عوامل مختلف و محیط جرمزا، طفلی مرتکب جرم نمیشود و طفل دیگری در آن شرایط مرتکب جرم میشود، که البته این موضوعی است که جرم شناس با بررسی درباره شرایط و اختصاصات در هر مورد خاص باید اظهار نظر کند و بهمین جهت امروز درباره هر طفلی که مرتکب جرم میشود بطور جداگانه در مورد علل آن به بررسی و تشخیص میپردازند و معمولا علاوه بر جرم - شناس عده‌ای از متخصصین مانند روانپزشک، پزشک، روانشناس و مددکار

بنام خدا

صفحه سفیدی که در مقابل شما قرار دارد ، برای شما گه مسائل و مشکلات تربیتی و آموزش فرزندان خود و نیز پیشنهادات و راه -
حلهایی که به نظرتان میرسد برای ما بنویسید .

پیوند ما با این ارتباط محکمتر میشود و شما که اولیاء و مربیان فرزندان
هستید با تلاش و ارتباط بیشتر در پیدا کردن راههای مناسب میتوانید
در یاری ما سهم بزرگی داشته باشید . انشاءالله که اینطور خواهد شد .





بعد از نوشتن پیشنهادات خود از این خط تا کنید و مثل پاکت بچسبانید



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جای نمبر



انجمن اولیاء و مربیان ایران

نشانی : تهران ، دروازه شمیران ، خیابان فخرآباد کوی ۱۵ صندوق پستی : ۱۳/۱۲۵۵

کد پستی ۱۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ

موضوع

شکست خورده از کسانی بوده اند که از ابراز و گفتن یک جمله تشویق آمیز دریغ و مضایقه میورزیده‌اند و حال آنکه یک جمله تحسین آمیز و یک لبخند رضایت بخش اعجاز می‌آفریند .

معلمی میگفت تازه استخدام شده و درس هندسه میدادم وقتی میخواستم بکلاس بروم بمن گفتند از فلان شاگرد حذر باش چه نه درس میخواند و نه اخلاق دارد . بکلاس رفته با حضور و غیاب کردن آن شاگرد را شناسائی کردم وقتی درس هندسه را به پایان رساندم او را پای تخته آورده گفتم درس را توضیح بده البته در اینکار کمکش کردم وقتی میرفت سرچایش بنشیند باو گفتم فکر تو در فهم هندسه قوی است یکهفته بعد پدرش بمدرسه آمده بسراغ معلم هندسه را گرفته بود وقتی با او ملاقات کردم بمن گفت شما اعجاز کرده‌اید گفتم من اعجاز نکردام همه میکنند او نمیفهمد من گفتم میتواند بفهمد با اینکه نمرات در سهای دیگرش خوب نبود ولی نمره هندسه‌اش هیجده شده بود .

بنابراین نباید فراموش کنیم که تشویق کردن و شخصیت دادن در حد زنده کردن و حیات دوباره دادن است ما که میتوانیم بدیگران حیات و زندگی بدهیم چرا از اعطاء آن دریغ و مضایقه بنمائیم ؟ .

* *

خدا میداند همین افرادی که ما آیه یاس برایشان میخوانیم چه نیرو و استعدادهایی را دارا میباشند اگر بجای تندى و خشونت نا امید کردن و توهین نمودن با یک جمله آنان را تشویق کنیم و بآنها تفهیم کنیم که توانائی انجام کار در آنها وجود دارد و عرضه انجام آن کار را دارا میباشند آنوقت خواهید دید که انسانها چه موجود عجیبی هستند که با یکجمله میمیرند و با یکجمله زنده شده حیات مییابند .

میگویند کمال‌الملک نقاش چیره دست را بسیاری از معلمانش میخواستند از مدرسه بیرون کنند ولی معلم نقاشی او بدفتر رفته بمدير مدرسه گفته بود که در کلاس درسش شاگردی هست که استادی و چیره دستی او در نقاشی از او بیشتر است .

باید باور کنیم که همین جمله کوتاه معلم کمال الملک را باوج هنرمندی و شهرت رسانید .

مدیر خوب آنکس نیست که از امکانات مادی فراوانی برخوردار باشد بلکه مدیر خوب کسی است با دست خالی با زبان تشکر آمیزی نیروهای نهفته انسانها را تجهیز کرده کارآئی آنان را بسرحدامکان برساند پس مدیریت در بحیران انداختن استعدادها خلاصه میشود .

تجربه نشان داده که بسیاری از مدیران

کنند و از کارهای خوب آنها تقدیر نمایند .
۴- همه آنها نیازهای تقریباً مشابهی دارند و با ارضاء آنها شاد میشوند . مربی خوب کسی است که از این مشابهنها در پرورش کودکان به حداکثر استفاده کند .

* *

سر مقاله

بقیه از صفحه ۳

تقریباً هفته‌ای یکبار آنها را دعوت میکردیم و جز همان چند نفری که اول هم آمده بودند کس دیگری بمرسه نمیآمد ، یکروز سر صف به بچه‌ها اطلاع دادم که فردا ساعت ۴ بعد از ظهر به تمام اولیاء ناید میدهیم و قرار است نایدها از طریق مدرسه توزیع شود ، روز بعد ساعت ۴/۵ در مدرسه جا برای ایستادن نبود همه آمده بودند و حتی همسایگان خودشان را نیز آورده بودند من هم یک قوطی ناید را روی میز گذاشته بودم و از پشت همان قوطی شروع به صحبت کردم ، وقتی که آنها فهمیدند موضوع چیست احساس شرم را در چهره فرد فرد آنها میدیدم و دانستند که تربیت و آموزش و پرورش فرزندانشان از ناید مهمتر است از آن زمان به بعد هر موقع آنها را دعوت کنیم فوراً می‌آیند " این حقیقت ما را نکان داد چرا مردم بهر مسئله‌ای بیش از نظارت و دقت در کار فرزندانشان

مشکل است . زیرا بر پایه اختلافات موجود بین خصوصیات رفتاری کودکان روش کار معلم در مورد هریک از آنها متفاوت خواهد بود .

طبقه بندی کودکان بر حسب بهره هوشی یا طبقه اجتماعی یا توانائیهای آنها بوسیله مربی کاری عملی نیست زیرا گروه بندی کودکان به "خودپنداری" آنها لطمه میزند و از اعتماد بنفس آنها میکاهد . کودکان در عین اختلافاتی که با یکدیگر دارند از بسیاری جهات بهم شبیه هستند . مربی از هر دو جنبه مثبت و منفی موجود بین آنها باید استفاده کند . بطور خلاصه در مورد کودکان بایستی اعتقاد داشت که خصوصیات مشابهی در آنها وجود دارد که ذیلاً خلاصه میشود :

۱- همه کودکان بعنوان فرزندان انسان خصوصیات یکسان و مشابهی دارند . همه آنها با احساس شکست دچار ناامیدی و تحقیر میشوند .

۲- با وجود علاقه شدید به استقلال فردی مایلند در میان جمع زندگی کنند و از بازی با همسالان خود خشنود میشوند .

۳- هنگامی که در فعالیت‌های خود با موفقیت مواجه میگردند با آنها احساس رضایت ، سرافرازی و خودنمایی روی میدهد و مایلند که دیگران آنها را درک

اهمیت میدهند .

داشته و رعایت کنند .

بیائید از این حالت رخوت و سستی
بدرآئیم موضوع تعلیم و تربیت
فرزندانمان را جدی بگیریم . رفتار و
کردار او را زیر نظر داشته باشیم هرگونه
تغییر حالت او را بررسی کنیم به درس و
مشق او بی نظر نباشیم بمدرسه برویم و
از اولیاء مدرسه بخواهیم که ما را در
جریان پیشرفت او قرار دهند ، انجمنها
را یاری دهیم و از خدا بخواهیم این
وحدت بین مدرسه و ما را محکمتر کند
و ثابت کنیم لیاقت آنرا داریم طلابه دار
تمدن اسلامی در جهان باشیم .

- ۱- لیقوم الناس بالقسط
- ۲- کبر مقنا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون
(سوره صف آیه ۳)
- ۳- ان لم یکن لکم دین ولا تخافون المعاد
فکونوا احرازا فی دنیاکم (اماحسین (ع)
- ۴- حق ۲۴ از رساله حقوق امام سجاد
علیه السلام - از کتاب راه و رسم زندگی .

* *

مسئولیتهای پدر و مادر

بقیه از صفحه ۱۰

خدایار و نگهدار شما باشد . پیوند

* *

اجرای عدالت در

بقیه از صفحه ۲۲

- به قول و وعده خود وفادار باشند .

- علاوه بر تدریس به مشکلات شاگردان هم
رسیدگی کنند .

اینها قسمتی از انتظارات شاگردان است
اما وظیفه مربیان بمراتب عمیق تر از اینها
خواهد بود که باتوجه بیشتر سعی کنیم
گوشه‌ای از حقوق آنها را ادا کنیم و در مسیر
اجراء و عدالت در جامعه سهمی داشته
باشیم و در آینده از چنین فرزندان و
شاگردانی میتوان انتظار داشت که احترام و
مقام والای پدر و مادر و معلم را در نظر

در صورتیکه با فن دقیق و حساس
تربیت آشنا نیستند و در زندگی هم تجربه
ندارند . ناچار هرکسی مطابق سلیقه
خودش و بدون آگاهی لازم عملی انجام
میدهد که نتیجه‌اش بخوبی روشن نیست و
بعدها حاصل بی‌اطلاعی و عدم آگاهی آنها
آشکار میشود و معلوم میشود که کودک
بیگناه در این مدت چگونه بی برنامه و
بدون وسائل تربیتی شکل و فرم پذیرفته
است . پدر و مادر گرچه در طول زندگی
میتوانند اطلاعاتی بدست آورند و با
تجربهای گذشته خویش با امور تربیتی
آشنا گردند ولی این اطلاعات غالباً
بی نتیجه میماند و نمیتواند برای بازسازی
و اصلاح فرزندانشان سودمند باشد .
زیرا موقعیت حساس تربیت کودک سپری
شده و هرچه باید بشود شده است . دوران

تربیت کودک از آغاز ولادت بلکه قبل از آن شروع میشود . شخصیت کودک در همان پنج شش سال اولی زندگی پایه گذاری میشود . در این دوران حساس است که طبع ظریف و حساس کودک آماده شکل گیری بوده اخلاق و رفتار و عاداتها و حتی دیدگاههای فکری او پایه گذاری میشود . پدر و مادر غالبا هنگامی به غفلتها و اشتباهات تربیتی خویش پی میبرند که کار از کار گذشته و کودک شکل گرفته و باخلاق خوب یا بد عادت کرده است . تغییر عادت هم گرچه غیر ممکن نیست لیکن بسیار دشوار میباشد تغییر عادت نیز موضوع بسیار دشواری است که اطلاعات کافی و صبر و کاردانی و کوششهای بیشتری لازم دارد و در چنین صورتی پدر و مادر وظیفه سنگین تری پیدا میکنند . حضرت علی علیه السلام تغییر دادن عاداتها ، از دشوارترین کارهاست و نیز فرمودند عادت ، بمنزله طبع ثانوی است .

ترک عادت بقدری دشوار بوده که در اسلام از بهترین عبادتها شمرده شده است . حضرت علی علیه السلام فرمودند : غلبه بر عاداتهای بد از بهترین عبادتها میباشد . بنابراین بر هر زن و شوهری لازم است که قبل از بچه دار شدن ، طرز تربیت کودک را یاد بگیرند و اطلاعات لازم را کسب کنند سپس بتولید و تکثیر نسل پردازند .

انتقاد و نهی از منکر

بقیه از صفحه ۱۴

واجبی است که همه باید بدانند و انجام بدهند و اگر اجرا نکنند به تکلیف دینی عمل ننموده اند .

ع- معمولا وقتی کودک دیگران را از منکر منع میکند متوجه است که خودش همان کار را انجام ندهد ، و این تذکار خود اصلاح نفس و تزکیه است و همه ما باید به تزکیه نفس سرکش بپردازیم تا برسنگاری برسیم . (۳)

بعضی پدر و مادرها ممکن است گمان برند که اگر به بچه این آزادی داده شود گستاخ میشود و همه کارهای پدر و مادر را بیاد انتقاد میگیرد ، و دیگر اطاعتی نمیکند اما این یک توهمی بیش نیست . زیرا هر حکمی که خدا کرده است برای خردسال و بزرگسال مفید است ، از کودکی بایستی به دستورات دینی عمل کرد . نهی از منکر عمل به دستور دین است و از کودکی باید تمرین شود .

(۱) کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر .

(۲) ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتا ضنکاه .

(۳) قد افلح من زکیها : رستگار شد کسی که نفس خود را تزکیه کرد . * *

روش‌ها

برای وصول بچنین اهدافی راه‌وروشهائی در پیش است که در آن برای آموزش از حواس و وسائل سمعی و بصری و وسائل و ابزار علمی روز استفاده میسود و برای پرورش از راه ارائه الگو ، تشویق ، تحبیب ، ملامت تحریف ، تنبیه در جنبه پرورش مسالسه سازندگی و بازسازی مطرح است که در آن از فنون و تکنیکهای خاصی ، از جمله از روش ارائه اسوه‌ها ، القاء ، تلقین ، مطالعه ، تعمق ، تدبیر ، تذکر استفاده میشود و ما دراین باره با تفصیل بیشتری بحث خواهیم کرد .

ضرورت امروزی آن :

ما معتقدیم که مساله تربیت اسلامی در این عصر ، نه تنها برای ما بلکه برای بشریت امری ضروری و باهمیت مسالسه مرگ و حیات است و بشریت اگر بخواهد از این درگیریها و سردرگمیها نجات پیدا کند چاره‌ای ندارد جز آنکه نظام تربیتی اسلام را که نظامی ساخته از سوی پروردگار آگاه و علیم و خبیر است بکار بندد و مطمئن باشد که خالق بشر را آگاهی و عنایست بیشتری نسبت به بشر است تا فیلسوفان و صاحبان حکایت .

اما برای ما ضروری است از آن بابت که انقلاب ما اسلامی و مکتب ما اسلام است ما برای تداوم انقلاب خود ناگزیریم از طریق تربیت اقدام وریشه آنرا در دلها نافذ گردانیم .

آنچه را که مادران بحثها تعقیب میکنند عرضه و ارائه اصول و مبانی تربیت اسلامی در زمینه‌های مربوط به موضوع تربیت ، اهداف محتوا ، مراحل ، روش و ارزیابی است که بنظر خود آنها از قرآن و سنت استخراج کرده و عرضه میداریم .

منظور ما از اصول و مبانی جنبه‌های عقلائی و مقیاسهائی است که براساس آن میتوان طفل را از موفقی که در آن است حرکت داده و به هدف مطلوب برسانیم و یا میتوان گفت مقصود بنیانها وریشه‌هایی است که با آگاهی از آنها و در دست داشتن آنها میتوان با سهولت رفتاری را در فرد پرورش داد و با استفاده از نظم فکری خاص او را به هدفی رساند .

شک نیست که بخصوص پس از دوران انقلاب برخی از صاحب نظران دراین زمینه اقداماتی بعمل آورده اند که تلاش شان از هر حیث قابل تحسین و کارشان مطلبی برای اظهار نظر دراین زمینه است . ما نیز سعی داریم که بعدی از مساله را براساس درک و برداشت خود و در حدود امکانات و توانائی خود عرضه نمائیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید . * *